

واقع‌گرایی در جریان شعر نو (نیمایی)

راحله نیکجوی تبریزی*

مربی موسسه آموزش عالی فخرالدین اسعد گرگانی

(تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۰۳، تاریخ تصویب: ۹۵/۰۳/۰۱)

چکیده

مکتب رئالیسم یکی از مکاتب ادبی اروپایی است که بر بیان واقعیات عینی و ملموس جهان بدون دخالت دادن ذهنیات انتزاعی نویسنده تأکید می‌کند. این مکتب در حوزه‌ی شعر معاصر فارسی نفوذ و تأثیر در خور اعتنائی داشته که رد پای آن را می‌توان در اشعار شاعرانی همچون نیما یوشیج، مهدی اخوان ثالث، احمد شاملو، فروغ فرخ زاد مشاهده نمود. آنچه مسلم است؛ شاعران این جریان شعری با نگرشی خردگرا و واقع‌بینانه در پی به تصویر کشیدن عینیات زندگی مردم و رخدادهای اجتماعی-سیاسی به منظور بالا بردن سطح آگاهی و دست یافتن به مطالبات حقوق فردی و اجتماعی افراد جامعه‌ی زمان خود هستند. زبان منطق شعری آنها غالباً آمیخته با نماد و تمثیل است که با بیانی غیر مستقیم و تأویل بردار از آن در جهت پرداختن به رسالت شعری به مفهوم برجسته ساختن واقعیات پنهان جامعه و بیدارگری افراد جامعه بهره می‌گیرند. لذا در این مقاله برای روشن تر شدن مسأله و میزان تأثیر پذیری این مکتب در جریان شعر نیمایی در ابتدا کلیاتی در باره‌ی مفهوم، اصول و ویژگی‌های مکتب رئالیسم بیان گردیده و سپس کلیاتی درباره‌ی شعر معاصر ایران (شعر نیمایی)، ظهور واقع‌گرایی در شعر معاصر و در ادامه مقایسه‌ای میان اصول و ویژگی‌های جریان شعری نیمایی با مکتب رئالیسم اروپایی به عمل آمده و در نهایت یک جمع بندی و نتیجه‌گیری از ویژگی‌های این جریان صورت گرفته است.

واژه‌های کلیدی: شعر نیمایی، شعر معاصر فارسی، رئالیسم، مکاتب ادبی، شعر نو.

مقدمه

اصطلاح رئالیسم که معادل فارسی آن واقع گرایی است به مفهوم خاص آن نام مکتبی از مکاتب اروپایی است که در قرن نوزدهم رونق و رواج پیدا کرد. سارتر در کتاب «ادبیات چیست» خود می‌گوید: «اصطلاح رئالیسم در فلسفه به معنای عام، آئینی است که به موجب آن واقعیتی مستقل از تصور ذهن آدمی وجود دارد و به معنای اخص آن، هر آئینی که علم آدمی را قادر به درک واقعیت حقیقی اشیاء بداند.» (سارتر ۲۴۸) یکی از اصول اولیه در ادبیات رئالیستی ترجیح عناصر تفکر و تعقل بر تصور و تخیل است. در مکتب رئالیسم، خیال پردازی و فردگرایی رمانتیسم از بین می‌رود و جای آن را تفکر و خردگرایی می‌گیرد. به بیانی دیگر، نویسنده واقع‌گرا به جای اینکه با انکار واقعیت و فرار از آن، تسلیم تخیل و حسرت گردد؛ به واقعیت‌های زمان خود توجه نشان داده و در پی تغییر و بهبود وضع اجتماعی زمان خود می‌گردد. سیدحسینی در کتاب خود می‌نویسد: «نویسنده رئالیست به هیچ وجه لزومی نمی‌بیند که فرد مشخص و غیرعادی و یا عجیبی را که با اشخاص معمولی فرق دارد به عنوان قهرمان داستان خود انتخاب کند. او قهرمان خود را از میان مردم و از هر محیطی که بخواهد، انتخاب می‌کند و این فرد در عین حال خود نماینده هم‌نوعان خویش و وابسته به اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند.» (سیدحسینی ۱۸۵)

منتقدان و نظریه پردازان بسیاری تا کنون در بسیاری مقالات و کتابهای خود شعر معاصر ایران را به نوعی انعکاسی از واقعیت می‌دانند همانند شمیسا که می‌گوید: «یکی از مشخصات شعر معاصر فارسی توجه صریح و آگاهانه به مسائل اجتماعی است. در ادبیات قدیم ما هم توجه به اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی دیده می‌شود. اما گستردگی و صراحت در ادبیات جدید بیشتر ملموس و قابل درک است.» (شمیسا، ۱۳۷۶، ۱۶)

هورنرمی گوید: «هر یک از ما در قالب فرهنگی خاص که مجموعه‌ای از باورها و رفتارهاست به دنیا آمده ایم و رشد کرده ایم. این شبکه عینی‌ها و قواعد، خود محصول دوره ممتدی از تغییرات تاریخی است که سنت نامیده می‌شود. فرهنگ و سنت شرایط‌گیر ناپذیری را بر افراد تحمیل می‌کنند، خواه آن را بپذیرند و خواه در مقابل آن از خود مقاومت نشان دهند.» (هورنر ۶۳)

مسئله گفتنی دیگر، چند معنایی اصطلاح رئالیسم است سیروس شمیسامی گوید: «کم‌تر اتفاق می‌افتد که بتوان اثری را با ذکر نوع آن، چنان که باید و شاید معرفی کرد. هنوز تقسیم بندی‌های و مصطلحات انواع ادبی ما جامع و مانع نیستند؛ جز در چند مورد خاص، اصطلاحات

انواع ادبی اثر را از هر دو صورت ومعنی فرا نمی‌گیرد. گاهی ناچاریم برای شناخت اثری از چندین اصطلاح انواع ادبی استفاده کنیم.» (شمیسا، ۳۶، ۱۳۷۸)

در این مقاله با رویکردی متفاوت به تحلیل بازتاب واقعیات اجتماعی و شناخت مضامین واقع‌گرایی در جریان شعر نیمایی پرداخته و به این مطلب می‌رسیم که جریان شعر نو (نیمایی) که عناصر جامعه‌گرایی و نمادگرایی از اجزای اصلی آن است از نمادگرایی به عنوان ابزاری در خدمت واقع‌گرایی بهره می‌گیرد. همچنین امکان دریافت اطلاعاتی درباره‌ی میزان تأثیرپذیری این مکتب بر جریان شعری نیمایی، زبان منطق شعری و عنصر رئالیسم در جریان شعر نیمایی را فراهم می‌آورد.

بحث و بررسی

مکتب رئالیسم، نام یکی از مکاتب ادبی اروپایی است که در نیمه دوم قرن نوزدهم پس از رمانتیسم در اروپا شکل گرفت و باعث دگرگونی و تحولاتی در عرصه‌ی ادبیات سایر ملل گردید. نظام الدین نوری می‌گوید: «رئالیسم در درجه اول کشف و بیان واقعیتی است که رمانتیسم یا به آن توجهی نداشت و یا آن را مسخ می‌کرد. به طور کلی نبوغ نویسنده رئالیست در خیال‌بافی نیست. بلکه در مشاهده و دیدن واقعیتهای موجود است. (نوری ۲۰۵)

ساکچوف در کتاب خود تاریخ رئالیسم می‌نویسد: «رئالیسم به عنوان شیوه‌ای خلاق، پدیده‌ای است تاریخی در مرحله معینی از تکامل فکر بشری، زمانی که انسان‌ها نیاز مبرمی به شناخت ماهیت و تکامل اجتماعی پیدا کردند و زمانی که مردم نخست به طور مبهم و سپس ناآگاهانه دریافتند که اعمال و افکار انسان از هیجان‌های سرکش یا علت‌های غیر منطقی ناشی نمی‌شود بلکه از علت‌های واقعی سرچشمه می‌گیرند.» (ساکچوف ۱۲)

مکاتب اروپایی کمابیش باعث دگرگونی و تحولاتی در عرصه‌های مختلف ادبی و هنری جهان گردیدند که در این میان، شعر و ادبیات معاصر فارسی نیز از حوزه‌ی نفوذ این مکتب به دورنمانده و شاعرانی همچون نیما یوشیج، مهدی اخوان ثالث، فروغ فرخزاد، احمدشاملو، محمدرضا شفیعی کدکنی از آن به عنوان یکی از اسلوب هنری برای بیان واقعیات ملموس زندگی و به تصویر کشیدن حوادث اجتماعی - سیاسی زمان خود سود بردند.

شعر نو یکی از دستاوردهای مهم فرهنگی ایران در اوایل قرن حاضر است که بنیانگذار این جریان شعری معاصر نیما یوشیج می‌باشد است. کسی که با خردورزی و اراده‌ای انسانی به حق سزاوار آن است که به او لقب پدر شعر نو بدهند. جهت‌گیری‌های اجتماعی، انعکاس شرایط

وفضای عینی زندگی و تأکید بر رسالت شعری به مفهوم روشن بینی و بیدارگری از بارزترین ویژگی‌های مهم این جریان شعری است.

«جامعه‌گرایی و نمادگرایی دو ویژگی اساسی اشعار در این جریان است. شاعران این جریان با زبانی سمبلیک و تأویل‌بردار، مسایل سیاسی-اجتماعی زمانه خویش را در شعر منعکس می‌کنند. شعر در این جریان، شعری است متعهدانه و ملتزم. همچنین ویژگی مهم دیگر این جریان، متفکرانه و اندیشمندانه بودن اشعار است؛ چرا که در این جریان، در کنار دو عنصر عاطفه و تخیل، بر اندیشه و تفکر نیز تأکید بسیار می‌شود. به کارگیری زبان و واژگان و شیوه بیان حماسی نیز از ویژگی‌های دیگر این جریان شعری است» (شمیسا، ۳۷، ۱۳۸۰)

دستغیب به نقل از کتاب «تاریخ تحلیلی شعر نو» درباره‌ی رسالت شعری شاعر چنین می‌گوید: «فرض کنید در جامعه‌ای مسئله‌ی فقر مطرح است و زندگانی افراد آن جامعه با ناکامی قرین و همراه و با عدم امکانات مادی است. به بهانه‌ی این که من اصالت دارم و می‌خواهم تجربه‌ی خود را شرح دهم، نمی‌توان شانه را از زیر بار مسوولیت خالی کرد. شاعر نمی‌تواند بگوید تجربه من این است که فی‌المثل: گل زیباست، فقط باید درباره‌ی گل سخن گفت. او نباید جریان ژرف اجتماعی و انسان‌های تنگ‌دست پیرامون خود را فراموش کند. اگر او در این باره سکوت کند، نه تنها شاعر خوبی نیست، بلکه انسان خوبی هم نیست.» (شمس لنگرودی ۷۲۰)

البته باید در نظر داشت که تفاوت‌های ژنیتیکی، پیچیدگی شخصیت و منش انسان، نظام سیاسی، حقوقی، اقتصادی حاکم بر جوامع وجود عرف، سنن، اعتقاد، باورهای متفاوت در بین ملل، ظهور پدیده‌های نواجمی-فرهنگی، میزان شعور انسانی حاکم بر جامعه و... می‌تواند عواملی برای تغییر فرم یک مکتب هنری، ادبی، فلسفی و... باشد. چنانکه می‌دانیم رئالیسم قرن نوزدهم همچون بالزاک با رئالیسم قرن بیستمی مطرح در ادبیات جهان بسیار متفاوت است

ویژگی‌های اصلی و محوری مکتب رئالیسم

- ۱- بیان افکار و عواطف ناشی از مشاهدات عینی و تاحد امکان به دور از واقعیت‌های ذهنی.
- ۲- شاعران واقع‌گرا از ذهن، باور و احساس خود در بیان واقعیات اجتماعی صحبتی نمی‌کند و در واقع انعکاس واقعیت بدون غلو و کاستی است

- ۳- از ویژگیهای این مکتب به کار بردن اصطلاحات غیر شاعرانه، ساده و صریح و حتی استفاده از زبان محاوره و روزمره است. همچون خیابان یا زنبیل.
- ۴- نویسنده رئالیست خود را نسبت به بیان واقعیات اجتماعی - سیاسی متعهد و مسوؤل می‌داند و نمی‌تواند بی تفاوت از کنار مسائل بگذرد.
- ۵- گریز از واقعیتهای ذهنی و تخیلهای غیر واقعی و غلو آمیز.
- ۶- ترجیح تفکر و تعقل بر تخیل و دریافت‌های شهودی.

ویژگی‌های بارز واقع‌گرایانی در جریان شعری نیمایی (شعر نو)

اگر بخواهیم مطابق این تعریف که: «شعر گره خوردگی عاطفی، اندیشه و تخیل در زبانی آهنگین است.» (شفیعی کدکنی ۳۶) به نقد شعر پردازیم، باید آن را از منظر هماهنگی موسیقایی، تصویرسازی، ویژگی‌های زبانی، بعد عاطفی، اندیشه و تفکر حاکم بر فضای شعر و مهم‌تر از همه نحوه‌ی گره‌خوردگی و همگرایی که این عناصر با هم دارند؛ مورد بررسی قرار دهیم. (اخوان ۴۱)

با این تفصیل و با توجه به یکی از ویژگیهای اصلی شعر معاصر که هنجارگریزی است، شاعر با استفاده از کارکردهای مختلف زبانی اندیشه‌ها، باورها و احساسات خود را به تصویر می‌کشد. از آنجایی که شعر نیمایی، شعری مفهوم‌گرا و با پشتوانه‌ی درک ذهنی و دریافت‌های فلسفی است و نظر به آنچه هایدگر می‌گوید که «اصولاً انسان در زبان زندگی می‌کند و وجود ما زبان گونه است» (هایدگر ۲۶) می‌توان نتیجه گرفت که زبان شعری بیانگرمیزان آگاهی و نوع جهان بینی شاعر است که آن نیز از وجود او نشأت می‌گیرد. بنابراین هر اندازه شاعر جهان بینی، آگاهی و ارتباط انسانی بیشتر داشته باشد، شعرش از پشتوانه‌ی عقلانی و دریافت‌های عینی تری برخوردار است.

«شعر نیمایی در جایگاه پدیده‌ای اجتماعی، در میانه زبان و آن چیزی جای دارد که عموماً به آن «واقعیت» می‌گویند.» (کریمی حکاک ۴۳۱) با چنین نگرش و فلسفه‌ای، شعر نیمایی قوام و دوام پیدا نمود. «شعر نو راستین حاصل نگاهی نو است در همه حال و به همه چیز، حتی آنچه در گذشته کم یا بیش یا به این و آن صورت وجود داشته است، نه صرف وزن و قافیه و آهنگ و لخت بندی نو یا کلماتی تازه و یا نهایتاً تصویر مبتکرانه و امثال اینها. آنان که شعر نو را تنها از دیدیکی یا برخی و حتی همه‌ی این‌ها بدون آن نگاه نو به معنای واقعی و جامع کلمه دیدند راه به جایی نبردند. یعنی فقط در ظاهری نو درجا زدند. شعرزمان، نوعی

هم نوایی و پیوند شعر با تمامی پدیدارهای نو و همه ی هنرهای عصر جدید است.» (حمیدیان ۲۲۹)

از اصلی ترین بن مایه های شعر نو؛ نگاه تازه به جهان، جهت گیری اجتماعی، استفاده از نمادها در طرح مسائل اجتماعی و انعکاس فضای واقعیات طبیعی زندگی محسوب می شوند. تقی نامداریان در مورد نماد پردازی در شعر نیمایی می گوید: «در شعر نو رویکرد شاعران به مفاهیمی چون آزادی، خفقان و... از نظر شیوه ی تصویر سازی متفاوت است. برخی بیشتر رنگ ادبی به آن بخشیده و در قالب کلام ادبی آن را به تصویر کشیده اند برخی دیگر نیز آن را به طور مستقیم و در همان معنی اجتماعی - سیاسی آن به کار برده اند. به عنوان مثال نیما یوشیج از شاعرانی است که آزادی را در قالب استعاره و نماد مطرح کرده است. سمبل صبح (سحر) در شعر و اندیشه ی نیما معادل آزادی جامعه ایرانی از سلطه استبداد و اختناق موجود بر جامعه عصر رضا خانی است.» (پورنامداریان ۲۰۷)

شباهت ها و تفاوت های مکتب رئالیسم اروپایی و جریان شعری نیمایی (شعر نو)

نخست، در مکتب رئالیسم، شاعر از ذهن، باور و احساس خود در بیان واقعیات اجتماعی صحبتی نمی کند و در واقع انعکاس واقعیت بدون کاستی یا اغراق، مبنای اصلی در به تصویر کشیدن احساسات و دریافتهای خود است. در این زمینه سیروس پرهام می گوید: «نویسنده رئالیست کسی است که از کیفیت تغییر پذیری واقعیت آگاه است و می کوشد تا زندگی طبیعی و اجتماعی را در پرتو دگرگونی ها و تحولات محیطی بنمایاند.» (پرهام ۴۴)

در جریان شعر نیمایی نیز همانند مکتب رئالیسم برای بیان افکار و عواطف از تصاویر واقعی و امروزی و نشانه های عینی و ملموس در پیرامون شاعر استفاده می شود. «کوشش های پیگیرانه نیما همواره در جهتی بود که بتواند همچنان که مسیر تماشای خود را تغییر داده است. مسیر تماشای دیگر شاعران را نیز تغییر دهد و آنان را در آفرینش های ادبی از تکرار تجربه های پیشین باز دارد. نیما هوشیارانه از دنیای ذهنی گذشته فاصله گرفت و خود را غرق در عینیت های دنیای پیرامون خود کرد.» (حسن لی ۳۶)

نکته دیگر، به کارگیری تیپ های شخصیتی عادی و ملموس و استفاده از اصطلاحات غیر شاعرانه و روزمره در آثارشان است. هدف حقیقی رئالیسم تشخیص تأثیر محیط و اجتماع در واقعیت های زندگی و تحلیل و شناساندن دقیق تیپ هایی است که در اجتماع معینی به وجود

آمده‌اند. سعی نویسندگان رئالیستی در این است که جامعه خود را تشریح کنند و تیپ‌های موجود در جامعه را نشان دهند. از این رو کار نویسنده در این مکتب به کار یک مورخ نزدیک می‌شود با این تفاوت که غالباً عادت و اخلاق مردم اجتماع خویش را بیان می‌کند. سیدحسینی در کتاب خود می‌نویسد: «نویسنده رئالیست به هیچ وجه لزومی نمی‌بیند که فرد مشخص و غیرعادی و یا عجیبی را که با اشخاص معمولی فرق دارد به عنوان قهرمان داستان خود انتخاب کند. او قهرمان خود را از میان مردم و از هر محیطی که بخواهد، انتخاب می‌کند و این فرد در عین حال خود نماینده هموعان خویش و وابسته به اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند.» (سید حسینی ۱۸۵)

شاعران جریان شعر نیمایی نیز همانند مکتب رئالیسم از زبانی تأثیر گذار و قاطع برای بیان مسایل سیاسی و اجتماعی استفاده می‌کنند. از آنجائی که هدف شعر نو دست یافتن به مفهوم جامعی از تناسب و ارتباط شعر با زندگی امروز است. نیما گسستی نظام مند و فراگیر از تصویرهایی را توصیه می‌کند که پیوسته در شعر فارسی تکرار شده‌اند. «شعر نو یا نیمایی در جایگاه پدیده‌ای اجتماعی در میانه زبان و آن چیزی جای دارد که به آن عموماً «واقعیت» می‌گویند. نیما همواره بر این عقیده بود که شاعران با محیط اجتماعی شان پیوندی ناگسستنی دارند و از این رو خواهان این هستند که شعر عصر خود را به آن چیزی که طبیعی و واقعی جلوه می‌کند؛ نزدیکتر کنند.» (کریمی حکاک ۴۳۱)

شمس لنگرودی در این مورد این گونه می‌گوید: «هر پدیده‌ی نوینی، الزاماً در مناسبات نوینی معنی و حیات پیدا می‌کند و چیزی که تحول می‌یابد نه فقط از اسب به اتومبیل، بلکه از یک نظام به نظامی دیگر است و اگر قرار است اتومبیل وارد شعر شود، نه واژه اتومبیل بلکه نقش اتومبیل در نظام نوین، زیبایی شناسی دیگری است و نیما این را می‌فهمید. او مفهوم تحول از اسب به اتومبیل را فهمید و لذا همراه با ورود ماشین به شعرش، کل نظام زیبا شناسی وی دگرگون شد.» (جهانگلو ۲۰۱)

یکی دیگر از جنبه‌های اصلی ادبیات رئالیستی تعهد و التزام هنرمندان نسبت به اجتماع خود است. نویسنده رئالیست، بیان روابط و وقایع روزانه زندگی انسان و پیامدها و نتایج اجتماعی آن را اساس کار خود قرار می‌دهد. به تعبیری دیگر، رئالیسم ریشه‌ی رفتار آدمی را در شرایط اجتماعی زمان خود می‌جوید. این نوع نگرش صفات نیک و بد را حاصل پدیده‌های طبیعی و ذاتی انسان نمی‌پندارد؛ بلکه جامعه را عامل آنها می‌داند. نویسنده واقع‌گرا، روابط میان افراد را از یک طرف و افکار، امیدها، خیالات، نومیدی‌ها و زبونی‌های آنان را از طرف دیگر، معلول

علل معین اجتماعی می‌داند که در محیط معینی به وجود آمده و تحت شرایط معینی نابود می‌شود. (پرهام ۴۶)

این رویکرد در جریان شعر نیمایی نیز به چشم می‌خورد. چراکه جامعه‌گرایی از ویژگی‌های محوری و بنیادین این شعر محسوب می‌شود. شاعران این جریان بر این باورند که شعر باید در خدمت اجتماع و تعالی نوع بشر باشد. نیما بر این باور بود که: «شعر نوعی روش زندگی است» و هنر «وسیله‌ای است برای درمان تمام دردها و نیز وسیله‌ای برای پیشرفت و چون زندگی ما وابسته به زندگی دیگران است. از این رو شعر تا حدی مدیون مردم است.» (آزند ۱۹۶)

گریز از واقعیت‌های ذهنی، تخیل‌های غیر واقعی و غلو آمیز از دیگر ویژگی‌های بارز مکتب رئالیسم است. شاعران واقع‌گرا از ذهن، باور و احساس خود در بیان واقعیات اجتماعی صحبتی نمی‌کنند و در واقع مبنای کار بر انعکاس واقعیت بدون کاستی و اغراق است. «رئالیسم به عنوان شیوه‌ای خلاق، پدیده‌ای است تاریخی در مرحله معینی از تکامل فکر بشری زمانی که انسان‌ها نیاز مبرمی به شناخت ماهیت و تکامل اجتماعی پیدا کردند. زمانی که مردم نخست به طور مبهم و سپس ناآگاهانه دریافته‌اند که اعمال و افکار انسان از هیجان‌های سرکش یا علت‌های غیر منطقی ناشی نمی‌شود. بلکه از علت‌های واقعی سرچشمه می‌گیرند.» (ساکچوف ۱۲)

در جریان شعر نیمایی، نیما نیز همواره بر این مسئله تأکید دارد و نیما می‌گوید: «سعی کنید همانطور که می‌بینید، بنویسید و سعی کنید شعر شما نشانی واضح‌تر از شما بدهد. وقتی که شما مثل قدما می‌بیندو بر خلاف آنچه در خارج قرار دارد می‌آفرینند و آفرینش شما به کلی زندگی و طبیعت را فراموش کرده است، با کلمات همان قدما و طرز کار آن‌ها باید شعر سرایید. اما اگر از پی کار تازه و کلمات تازه‌اید، لحظه‌ای در خود عمیق شده، فکر کنید آیا چطور دیده‌اید؟» (طاهباز ۳۵)

یکی از اصول اولیه در ادبیات رئالیستی ترجیح عناصر تفکر و تعقل بر تصور و تخیل است. در مکتب رئالیسم، خیال پردازی و فردگرایی رمانتیسم از بین می‌رود و جای آن را تفکر و خردگرایی می‌گیرد. به بیانی دیگر، نویسنده واقع‌گرا به جای اینکه با انکار واقعیت و فرار از آن تسلیم تخیل و حسرت گردد؛ به واقعیت‌های زمان خود توجه نشان داده و در پی تغییر و بهبود وضع اجتماعی زمان خود می‌گردد. «رئالیسم در درجه اول کشف و بیان واقعیتی است که رمانتیسم یا به آن توجهی نداشت و یا آن را مسخ میکرد. به طور کلی نبوغ نویسنده رئالیست در خیال‌بافی نیست بلکه در مشاهده و دیدن واقعیت‌های موجود است.» (نوری ۲۰۵)

این موارد در شعر نیمایی موضوعیتی خاص دارد چرا که شعر نیمایی، شعری است متفکرانه و اندیشمندانه که در آن تعقل و خردگرایی نقشی تعیین کننده دارد. به بیانی دیگر، شعر نیمایی در کنار عنصر تخیل به درک و دریافت‌های ذهنی و بیان عینیات توجه بیشتری نشان داده است. البته وجوه افتراقی نیز در این بین وجود دارد که این خود دلالت بر این است که جریان شعر نیمایی جنبه تقلیدی صرف نداشته است بلکه تنها از او متأثر شده و خود دارای هویت مستقلی است. یکی از مهم‌ترین وجوه افتراقی، استفاده از شیوه بیان سمبلیک و نمادین در شعر نیمایی است. چرا که «لزوم پرداختن شعر به مسائل سیاسی و اجتماعی شاعران را به سوی سمبولیسم کشاند و شعر گاهی به صورت تمثیل در آمد یعنی داستانی (مشبه بهی) که هر چند به ظاهر معنایی خود را دارد اما مراد معنی باطنی آن است که همانند مسائل سیاسی اجتماعی باشند. بسیاری از اشعار معروف نیما و اخوان چنین است. البته توجه به سمبل همیشه به شعر تمثیلی منجر نمیشود. یعنی ظاهر شعر به صورت داستان و حکایت در نمی‌آید چنان که در فروغ می‌بینیم. (شمیسا، ۳۶، ۱۳۸۳)

شیوه‌ی نمادین در زبان شعر نیمایی موجب می‌شود تا شعر از حالت شعارگونه و صریح خارج شود و به شعر واقع‌گرا و اجتماعی تبدیل گردد. شعر نیمایی غالباً نمادین و تأویل‌بردار است و نمی‌توان به معنایی مشخص و تک‌گزینه‌ای دست یافت. همچنین توجه به آهنگ و موسیقی کلمات و استفاده از آن در جهت القای بهتر افکار و عواطف از مواردی است که در مکتب رئالیسم اروپایی کمتر به آن توجه شده است.

نتیجه

با در نظر داشتن آنچه اشاره شد به این مطلب میرسیم که جریان سمبولیسم اجتماعی یا همان شعر نو (نیمایی) که جامعه‌گرایی و نمادگرایی از اجزای اصلی آن است؛ همچنان عنصر رئالیسم یا همان نگاه واقع‌گرایانه را نیز در درون خود نهفته دارد. زیرا آنچه مسلم است؛ شاعران این جریان ادبی خود را نسبت به مسائل سیاسی-اجتماعی متعهد و پرداختن به دردها و رسیدن به حقوق فردی و اجتماعی انسان را رسالت شعری خود می‌دانستند. در عین حال، بر این عقیده نیز پایبند بودند که بیان مستقیم اندیشه و بازتاب‌های اجتماعی در شعر سبب کاهش ذوق ادبی و مضمون شعری میشود. علاوه بر آن، وجود جوسنگین خفقان و نبود آزادی بیان در آن زمان شاعران را بر آن می‌دارد تا با زبان رمز، اشاره و تمثیل به بیان واقعیات مطرح در جامعه بپردازند که در عین جامعه‌گرایی از غنای ادبی و هنری شعر نیز کاسته نشود و همچنین

رندانه واقعیات ناگفته جامعه رابه تصویرکشیده باشند. بدین ترتیب، نمادگرایی در خدمت واقعگرایی در جریان شعرنیمایی قرار می‌گیرد.

همچنین در روند تحقیق، موضوعی ذهن پژوهشگر را به تفکری دیگرگونه واداشته است. اینکه علاوه بر نفوذ مکاتب ادبی همچون رئالیسم، رمانتیسم فردی، رمانتیسم اجتماعی، سمبولیسم اجتماعی، یاسوررئالیسم و... در شعر معاصر که محققان و استادان اهل فن در کتابهای خودبه آن اشاره کرده‌اند. یک حرکت یا جنبش فکری وادبی دیگری در اشعار این بزرگان دیده میشود که گذر تاریخ و زمان باعث شکل دهی آن شده است. یک جور ناگزیری که سبب آن بیش از آن که تغییر و تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و به طور کلی فعالیت‌ها و عوامل محیطی باشد؛ عامل پنهانی به نام «کمبود یا نقصان در گذر زمان» را مطرح می‌کند که سبب جنبش یا جریانی همسو با شعور انسانی جامعه آن زمان می‌شود. این جریان ایجاد شده، خاص همان دوره هست که تکرار را به دنبال ندارد.

لذا تحقیق درباره ی واقعگرایی در شعر معاصر ایران و جهان بیش از همه تفاوت مفاهیم فلسفی واقع‌گرایی هویدا شد. اینکه در شعر نیمایی، فلسفه واقع‌گرایی آمیزه‌ای از فلسفه ی هستی‌گرایان (اگزیستانسیالیست) با تفکر مدرنیته بود. در حقیقت میزان تأثیر پذیری تمام مکاتب ادبی از قرن ۱۷ میلادی تا قرن ۲۰ میلادی بدون هضم شدگی و تکه تکه شدن مواد هنری از هم، همگی به یکباره در آثار شعری، شاعران معاصر ایران وارد شده است. امید که در آینده باتوفیق خداوند، اگر عمری باقی باشد؛ بتوان در این زمینه بحث و تحقیق گسترده‌ای به عمل آورد.

منابع

آژند، یعقوب، (۱۳۶۳)، *ادبیات نوین ایران، (از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی)*، تهران: انتشارات امیرکبیر.

اخوان ثالث، مهدی، (۱۳۶۹)، *بدعتها و بدایع نیمایوشیخ*، تهران: انتشارات زمستان.

الشکری، فدوی، (۱۳۸۶)، *واقع‌گرایی در ادبیات داستانی معاصر*، تهران: انتشارات نگاه.

ایگلتون، تری، (۱۳۶۸)، *پیش‌درآمدی بر نظریه‌ی ادبی*، عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.

پریستلی، جوزف. بی، (۱۳۵۲)، *سیری در ادبیات غرب*، ابراهیم یونسی، تهران: انتشارات سوره مهر.

پرهام، سیروس، (۱۳۶۰)، *رئالیسم و ضد رئالیسم در ادبیات*، تهران: انتشارات نگاه.

- پورنامداریان، تقی، (۱۳۷۷)، *خانه ام ابری است: نیما از سنت تا تجدد*، تهران: انتشارات سروش
- حسن لی، کاووس، (۱۳۸۳)، *گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران*، تهران: نشر ثالث.
- حمیدیان، سعید، (۱۳۸۱)، *داستان دگردیسی*، (روند دگرگونی‌های شعر نیماییوشیخ)، تهران: انتشارات نیلوفر.
- جهانبگلو، رامین، (۱۳۸۰)، *ایران ومدرنیته*، تهران: نشر گفتار.
- سارتر، ژان پل، (۱۳۷۰)، *ادبیات چیست؟*، الف، نجفی و م، رحیمی، تهران: انتشارات زمان.
- ساجکوف، بوریس، (۱۳۷۷)، *تاریخ رئالیسم*، محمد تقی فرامرزی، تهران: انتشارات شباهنگ.
- سید حسینی، رضا، (۱۳۴۷)، *مکتب‌های ادبی*، تهران: انتشارات نیل.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۰)، *موسیقی شعر*، تهران: انتشارات آگاه.
- شمس لنگرودی، محمد، (۱۳۷۷)، *تاریخ تحلیلی شعر نو*، تهران: نشر مرکز، ج ۱، ۲، ۳، ۴.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۸)، *انواع ادبی*، تهران: نشر میترا.
- ، (۱۳۸۳)، *راهنمای ادبیات معاصر*، تهران: نشر میترا.
- طاهباز، سیروس، (۱۳۸۵)، *درباره ی شعر و شاعری (نیماییوشیخ)*، تهران: انتشارات نگاه.
- کریم هورنو، امریس وستاکوت، (۱۳۸۱)، *آشنائی با فلسفه‌ی هنر*، شهاب الدین قندهاری، تهران: انتشارات سراج.
- کریمی حکاک، احمد، (۱۳۸۴)، *طلیعه‌ی تجدد در شعر فارسی*، مسعود جعفری، تهران: انتشارات مروارید.
- لوکاج، جورج، (۱۳۷۳)، *پژوهشی در رئالیسم اروپایی*، اکبر افسری، تهران: انتشارات علمی و هنری.
- نوری، نظام الدین، (۱۳۸۴)، *مکتبها، سبک‌ها و جنبشهای ادبی و هنری جهان تا پایان قرن بیستم*، تهران: انتشارات زهره.
- هایدگر، مارتین، (۱۳۹۱)، *وجود و زمان*، محمود نوالی، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.

مقاله‌ها

- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۰)، «جریان سمبولیسم اجتماعی در شعر معاصر ایران»، *ماهنامه ی مدرس علوم انسانی*، دوره ۵، شماره ۳.

فتوحی، محمود، (۱۳۸۵)، «شکل‌گیری رئالیسم ایرانی»، کنفرانس بین‌المللی جایگاه زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش، صص ۲۱-۱.

Bibliography

- (1383/1963). *Rahnamaiy Adabiyat Moaser*. (Guide to The Contemporary Literature). Tehran: Publications Mitra.
- Akhavan, Mehdi. (1369/1989). *Bedatha Va Badayeh Nima Yushij*. (Innovations and Bdayeh Nima Youshij). Tehran: Zemastan Publications.
- Alshkry , Fadavi. (1386/2006) .*Vaghagaraiy Dar Adabiyat Dastaniyeh Moaser*. (Realism in Contemporary fiction). Tehran: Negah Publications.
- Azhand, yagheb. (1363/1985). *Adabiyat Novin Iran*. (Modern Literature in Iran, "Constitutional Revolution to the Islamic Revolution"). Tehran: Amir Kabir Publications .
- Chris Horner, Amrys Vstakvt. (1381/2001). *Ashenaiy Ba Falsafehyeh Honar*. (Introduction to Philosophy of Art).Shahaboddin Ghandahari. Tehran: Siraj.
- Eagleton, Terry. (1368/1989). *Pishdaramady Bar Nazariyeh Adaby*. (Introduction to the Literary Theories). Abbas, Mokhber. Tehran:Markaz Publications.
- Hamidian, Saeed. (1381/2001). *Dastan Dagarrisi*. (The story Metamorphoses, "Transformations process of Youshij Nima's poetry"). Tehran: Niloofar Publications.
- Hassan Li, Kavous. (1383/2003). *Gonehayeh Noavary Dar Shere Farsi*. (The Innovation in Contemporary Poetry in Iran). Tehran: Salas Publications
- Heidegger, Martin. (1391/2011). *Vojod Va Zaman*. (Being and Time). Mahmoud Nawali. Tabriz: UniversityPublications.
- Jahanbeglo, Ramin. (1380/2000). *Iran Va Modarniteh*. (Modern nyth and Iran). Tehran: Publications goftar.
- Kadkani Shafiei, Mohammad Reza. (1370/1990). *Mosighiyeh Sher*. (The Music of Poetry). Tehran: Agah Publications.

- Karimi, Hakkak, Ahmad. (1384/2006). *Taliyeh Tajaddod Dar Sher Farsi*. (ushered in the Modernity Persian Poetry). Massoud Jafari. Tehran: Morvarid.
- Lukach, George, (1373/1993). *Pakhoheshi Dar Realism Oropaiy*. (Research in European Realism). Akbar Afcari. Tehran: Science and Art.
- Nouri, Nezamoddin. (1384/2006). *Mactabha, Sabcha Va Jonbeshhaye Adabi Va Honari*. (Schools, Styles and Movements of Literary and Artistic world by the end of the twentieth century). Tehran: Zohreh.
- Parham, Sirus. (1360/1981). *Realism Va Zed Realism*. (Realism and anti-realism in Literature). Tehran: Negah Publications.
- Pournamdaryan, Taqi. (1377/1998). *Khaneham Abri Ast*. (Cloudy is my house: from tradition to modernity by Nima). Tehran: Soroush Publications.
- Priestley, Joseph, B. (1352/1973). *Seiry Dar Adabiyat Gharb*. (Courret The Western Literay). Ibrahim Younesi. Tehran: Soureh Mehr.
- Sachkvf, Boris, (1377/1997). *Tarikh Realism*. (History Realism). Mohammad Taghi Faramarzi. Tehran: Shabahang Publications.
- Sartre, John Paul. (1370/1990). *Adabiyat Chist*. (What is Literature). A, Najafi and M, Rahimi. Tehran: Zaman Publications.
- Seyyed Hosseini, Reza. (1363/1983). *Mactabhayeh Adabi*. (The School Literary). Tehran: Nile Publications.
- Shamisa, Sirus. (1378/1998). *Anvae Adabi*. (The Literary forms). Tehran: Publications Mitra.
- Shams Langeroudi, Mohammad. (1377/1997). *Tarikh Tahliliyeh Sher Now*. (The Analytical History Modern poetry). Tehran: Markaz Publications, vol 1,2,3,4.
- Tahbaz, Sirus. (1360/1980). *Darbareye Sher Va Shaeriye Nima Youshij*. (About Poetry's Nima Youshij). Tehran: Publications Nagah

Articles

Fotouhi, Mahmoud. (1385/2005). Shaklgiri Realism Irani. ("The formation of Iranian Realism"). an international conference on the status of Persian Language and Literature in Bangladesh, pp. 21-1.

Shamisa, Sirous. (1380/2000). Jariyan Sambolism Ajtamai Dar Sher Moaser. ("The Social Symbolism of Modern Poetry in Iran"). *Journal of the Humanities: Modarras*. Vol 5, No. 3.